



۲۰۲۱/۰۳/۰۵



احسان الله میار

صفحه ای از تاریخ

قسمت بیست و یکم

روز ۱۴/۴/۱۹۸۸ را میتوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر افغانستان شمرد.

دستگاه استخبارات پاکستان (آی اس آی) شاخ مهم نظام پاکستان در اداره و رهبری قضیه افغانستان با نیرنگ عجیبی توانست توسط دست نشانندگان خود، رهبران جهادی، صلاحیت ملت مبارز و قربانی داده افغان را تصاحب نموده با افزار ارزش های دست آورده مردم ما با نمایندگان حکومت مردود درکابل، بنابر گفته غیر مستقیم با میانجگیری نماینده خاص ملل متحد، کوردویز، که بیشتر منافع دولت شوروی در نظر داشت تا مردم بیچاره افغان را، باب مذاکرات را باز نموده و بنام ملت افغان قراردادی را در ژنیو به امضاء برساند که توسط نمایندگان دوا بر قدرت زمان، امریکا و اتحاد شوروی تضمین گردید. مایحصل این قرار داد تا امروز مانند خفاش با رنگ تیره و سیاه خود کابوس وار در ماحول و سرنوشت ملت افغان چنان اختناق عمیقی خلق نموده که هنوز از چنگ منحوس آن رهائی نیافته ایم.

در قبال امضای این قرارداد اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و یک عده از شخصیت های افغان نظر خود را در تاریخ میهن ما ثبت نموده اند که اینک از نظر خوانندگان گزارش می یابد:

۱۴ - ۴ - ۱۹۸۸

قرار داد ژنیو جهت حل بحران افغانستان و بیرون کشیدن قوای شوروی بین نمایندگان افغانستان و پاکستان امضاء و از جانب نمایندگان امریکا و اتحاد شوروی تضمین شد.

۱۵ - ۵ - ۱۹۸۸

متن بیانیه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه سابق در باره موافقات ژنیو:

بسم الله الرحمن الرحيم

با وصف اینکه در مذاکرات ژنیو طرفهای اصلی قضیه یعنی نمایندگان واقعی ملت مجاهد افغانستان و اتحاد شوروی شرکت نداشتند، باز هم امید می رود این موافقات راه را برای خروج قوای شوروی از افغانستان که متضمن استقلال کامل، تمامیت ارضی کشور و حق خود ارادیت مردم افغانستان بدون مداخله خارجی در امور سیاسی، داخلی و اجتماعی آن باشد، باز نماید و به این طریق افغانستان بتواند بار دیگر به حیث يك کشور آزاد سیاست بیطرفی و عدم انسلاک خود را از سر گرفته از این راه در تأمین ثبات در داخل کشور و همچنین در این منطقه حساس که صلح و امنیت جهان تا اندازه زیاد به آن بستگی دارد نقش موثری را ایفا کند. برای رسیدن به این هدف بطوریکه قبلاً اظهار نموده ام ضرور میدانم تا به ادامه مساعی ملل متحد افغانها و دیگر جوانبیکه در

عملیه اعاده امن در افغانستان ذیدخل میباشند شرایط لازمه تأمین صلح در افغانستان از طریق انعقاد لویه جرگه ممثل تمام عناصریکه در داخل و خارج افغانستان ملت افغان را تشکیل میدهند فراهم گردد تا به این ذریعه يك حکومت انتقالی که از پشتیبانی اکثریت مردم افغانستان بر خوردار باشد به وجود آید.

ومن الله التوفيق (اقتباس از شماره فوق العاده مجاهد ولس مورخه ۲۱ اپریل ۱۹۸۸)

۱۶ - ۴ - ۱۹۸۸

متن مصاحبه داکتر محمد یوسف با سرویس دری صدای امریکا در رابطه با امضای موافقتنامه ژنیو: شما اطلاع دارید که ما از شروع مذاکرات ژنیو الی ختم آن اعتراضاتی داشتیم مخصوصاً اینکه نمایندگان مجاهدین افغانستان نه تنها شرکت نداشتند بلکه اصلاً از ایشان استشاره نمیشد. متأسفانه باید گفت که رهبران جهاد در پشاور نیز تا حدودی قصور دارند زیرا آنها نتوانستند در ظرف این نه سال رهبری متحد سیاسی و يك پروگرام مدلل سیاسی و اجتماعی عرضه کنند. حال که معاهده ژنیو به امضاء رسیده با همه تناقضات که در او دیده میشود بایستی از آن استقبال کرد زیرا این یگانه وسیله سیاسی ایست که خروج عساکر شوروی را از افغانستان تأمین میکند و این افتخار سیاسی و تمامیت خاک کشور ما مهمترین هدف جهاد میباشد.

س: تنظیمهای جهادی معاهده ژنیو را رد کرده و گفته اند به جهاد ادامه میدهند و در صورتیکه رژیم نجیب در کابل باقی بماند به نظر شما از خون ریزی مزید چگونه جلوگیری شود؟

ج: بر اعتراض و احتجاج رهبران مقیم پشاور تفاهم دارم زیرا آنها خود را مقابل يك حقیقت انجام شده میدانند اما راجع به اعلامیه جهاد در مقابل قشون شوروی مخصوصاً که در این اواخر گفته میشود که جهاد را این ها تا بر آمدن آخرین عسکر شوروی از افغانستان ادامه میدهند باید بگویم که از تاریخ شروع خروج عساکر شوروی یعنی از پانزدهم ماه می به بعد تا انجام بازگشت آنها بایستی هیچ حرکتی صورت نگیرد که بهانه بدست شوروی بدهد تا خروج قوای خود را به تعویق اندازد و یا بهانه که باثر ان به اقدامات دیگری دست زند. این نظر من است. س: دعوت نامه نجیب را که به تعقیب معاهده ژنیو که مجاهدین میتوانند در حکومت و پارلمان اشتراک کنند چگونه ارزیابی میکنید.

ج: ادعای داکتر نجیب واهی و فاقد دلیل و منطق است این لویه جرگه و انتخابات پارلمان در حالیکه مملکت زیر اشغال قشون خارجیست و پنج ملیون افغان در خارج مهاجر هستند و صدها هزار دیگر در داخل کشور سرگردان میباشند و کسی از نام و نشان آنها اطلاع ندارد، بنیاد قانونی و ملی ندارد.

دوم اینکه اگر اولیای حکومت کابل استقرار رژیم خود را از راه ائتلاف و آشتی ملی به معنی که منظور خود آنها است می جویند باید بدانند که هیچ کس حاضر به همکاری نخواهد بود. زیرا چنین همکاری مفهوم آنرا دارد که فدا کاری و قربانی عظیم مردم ما عبث و بی مورد بوده است. از طرف دیگر بعضی از رهبران مجاهد که در نظر دارند رژیم خلق و پرچم را به زور سلاح از بین ببرند به نظر من چنین امری امکان پذیر است اما به چه قیمتی بدست خواهد آمد، جنگ داخلی و برادرکشی و خونریزی بیشتر و تخریب آنچه باقی مانده منجر خواهد گردید و عده بیشتر از مردم ما به خارج پناه خواهند برد و کشور ما را بازیچه اغراض خارجی خواهد ساخت. به نظر من رژیم خلق و پرچم با سوابق شوم که دا منگیر آنهاست و با عقاید مارکسیستی که آنها پیرو آنند در افغانستان بقا و آینده ندارد و بزودی از میان خواهد رفت. اما این زوال آنها بهتر است با آرامی میسر گردد نه

به زور سلاح و جنگ داخلی.

س: در صورتیکه رژیم نجیب در کابل بقدرت باشد نتایج لویه جرگه و انتخابات را کی ضمانت میکند. آیا رژیم کابل نتیجه که خودش خواسته باشد بدست نمی آورد؟

ج: من میدانم که این رژیم باقی ماندنی نیست بهیچ صورت، اما من میگویم که این رژیم به زور سلاح از بین برده نشود باید به اتفاق ارای مردم از بین برده شود. تصمیم دولت شوروی مبنی بر ادامه کمک نظامی به رژیم کابل فاقد منطق است، زیرا رژیم ایکه به کمک یک صد و چند هزار عسکر شوروی و سلاح مدرن آن و تبدیل افغانستان به یک مخروبه نتوانست استوار و مستقر گردد با سلاح مزید چه کاری از پیش خواهد برد.

س: آیا این اعلام رئیس جمهور ضیاءالحق که کمک به مجاهدین افغانستان را از طریق پاکستان ادامه خواهد داد تخطی از معاهده ایکه در ژنیو امضا نموده پنداشته نخواهد شد؟

ج: از شخص رئیس جمهور ضیاء که مرد مسلمان و سیاستمدار مجرب است انتظار دارم که از نفوذ خویش بالای رهبران احزاب جهادی مقیم پشاور استفاده نموده در یک حلقه اتحاد واقعی گردهم آمده تا تشکل یک حکومت موقتی، عبوری، و یا انتقالی را، هر چیزیکه می فرمایند، بشمول همه قوتهای ذیدخل در اوضاع افغانستان که نسبتاً از پشتیبانی مردم برخوردار باشد، امکان پذیر گرداند. من رژیم فعلی خلق و پرچم را مشرف به زوال میدانم اما این زوال بایستی بوسیله آرای مردم صورت گیرد نه به زور اسلحه اما تا وقتیکه ابزار رای بوسیله مردم افغانستان در لوی جرگه منعکس میشود حکومت کابل و حزب خلق و پرچم از قوتهای موثری هستند که آنها را باید بحساب گرفت و از همه این قوتها بایستی یک حکومت انتقالی تشکیل گردد اما نه در چوکات حکومت خلقی و پرچمی موجوده، یعنی برای ایجاد چنین یک حکومت باید چوکات فعلی حکومت کابل با سازمان های حکومتی و عسکری آن شکستانده شود.

س: در صورتیکه خلق و پرچم قدرت را در کابل بدست داشته باشند کی تضمین کرده میتواند که لویه جرگه بدون کنترل رژیم کابل در افغانستان دایر شود و چطور از نفوذ حکومت در لویه جرگه جلوگیری شود؟

ج: شاید توضیحات مختصریکه برای شما تقدیم میکنم این سوال شما را حل کند. الترناتیف دیگر اینست که رهبران احزاب و یا نمایندگان آنها بشمول یک عده افرادی که در احزاب شامل نیستند در یک شورای عالی که نظارت بالای حکومت کند، شرکت کنند و حکومت از افراد تکنوکرات غیر حزبی تشکیل گردد تناسب تعداد شرکت کنندگان در حکومت انتقالی و یا در شورای عالی با مذاکره و مفاهمه تعیین گردد و اگر قوتهای ذیدخل در اوضاع فعلی به تفاهم نرسند چیزیکه شما میفرمائید و یا اصلاً حاضر نباشند با یک دیگر صحبت کنند مثلیکه وضع موجوده است، در این صورت باید وساطت توسط ملل متحد صورت گیرد یعنی آقای کوردویز نماینده سرمنشی ملل متحد به مساعی و وساطت خویش ادامه دهد که این وساطت منحصر به ایجاد تفاهم بین قوتهای افغانی خواهد بود.

س: در مصاحبه چند هفته قبل شما با صدای امریکا در مورد نقش احتمالی محمد ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان در حکومت انتقالی آینده اظهاراتی نمودید. آیا پادشاه سابق کدام پروگرام برای آینده افغانستان و برای مردم آن دارند و یا اینکه محض با نشر اعلامیه ها و بیار آوردن توقعات بدون کدام اقدام بحال مردم افغانستان به نظر شما مفید است؟

ج: جواب این سوال را باید از سخنگوی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بخواهید. چون این سوال را متوجه من ساختید باید جوابی دهم و شما بیاد دارید زمانیکه اعلیحضرت در یک مصاحبه مطبوعاتی فرمودند که در امور

وطن خویش بی‌علاقه نیستند بدون کدام اینکه معاندین در باره بیندیشند به تبلیغات سوء پرداختند و گفتند که شاه سابق برای احیای نظام سابق کمر بسته یعنی برای احیای مجدد نظام سلطنتی، حال آنکه اعلیحضرت مکرراً فرموده اند که چنین نیستی ندارند زیرا می دانند که چرخ تاریخ به عقب نمی گردد. اما کسانی که به اعلیحضرت خوش بینی داشتند و دارند چنان میپنداشتند و می پندارند که شاه سابق مثلیکه در مصاحبه سابق عرض کردم نظر به اعتباریکه در بین طبقات عام مملکت دارند می توانند بحیث یک عامل تفاهم و نزدیکی افکار در بین قوت‌های مختلف دخیل در جریان‌ات حاضر مملکت مساعی خود را بکار برند و در مسایل حیاتی کشور در این لحظات حساس تاریخ موقف بگیرند و برای حل مشکلات ایکه دامنگیر مملکت و مردم ما گردیده سهم بارزی داشته باشند.

۲۱ - ۴ - ۱۹۸۸ مجاهد ولس

عبدالرحمن پژواک زیر عنوان " روز ۱۴ اپریل فیصله ژنیو " مینگارد:

یا حق!

طوری که بهمه کس معلوم است من از آغاز گفتگوهای ژنیو به آن مخالف بودم و آنرا غیر مثمر و مخالف با منافع ملی و آرزومندی های مردم افغانستان میدانستم. چون در نزد من غیر متوقع نبود این فیصله غیر عادلانه مایه تعجب هم نگردید.

روز امضای موافقتنامه های ژنیو روز بازار سیاست بود که منافع ملی افغانستان در آن رایگان فروخته شد. درین روز ارواح شهیدان ما اندوهگین و خون غازیان ما در عروق غیرت و ایمان در غلیان آمد. در این روز پاکستان ارشادات دین اسلام را فراموش کرد و بر گلوی وجایب و مسوولیت های انصار در برابر مهاجرین پا گذاشت. امریکا پرنسیپهای مردم خود را با مال ساخت ملل متحد منشور خود را مراعات نکرد و تاریخ بشریت آنرا به همین عبارت ثبت خواهد کرد.

معلوم شد منظور صلح در افغانستان نبود زیرا فیصله ژنیو جنگ و خونریزی را شدت خواهد بخشید. اگر منظور بازگشتن مهاجرین به وطن شان باشد کدام یک از شرایط که ایشان را مهاجر ساخته بود تغییر کرده است؟ اگر مراد بیرون شدن قشون روس بود بیرون شدن فزیکه آن چه اهمیت دارد؟ بر آمدن فزیکه روس از نقطه نظر فاصله هوا چند دقیقه مختصر است و از راه زمین با پل دریای آمو محض چند ساعت کمتر از آن است که پیش از تجاوز بود. در آنوقت روسها به بهانه دعوت یک رژیم نامشروع آمدند و بعد از این که پاکستان و امریکا آن رژیم را شناختند بر اساس دعوت یک حکومت شناخته شده بازگشته میتوانند و از نقطه نظر حقوقی و مقررات بین المللی دلایل قویتر میداشته باشند.

پاکستان که گفتگوی مستقیم را قبول نمیکرد بدور یک میز با رژیم کابل نشست این همه وعده های امریکا جز اینکه ما را بلند تر بردارد تا سختتر بر زمین بزند چه مفهوم داشت؟ آیا بعد ازین میتوان توقع داشت که ملل کوچک جهان بر ملل متحد اعتماد کنند.

گفته میشود همان کوردویز با مجاهدین داخل مذاکره خواهد شد، آیا این دلال ماهر که منافع ما را فروخت حتی خودش تصور میکند که ایمان ما را هم سودا کند؟ هیچ کس نمیتواند که یک نقطه به من نشان بدهد که کوردویز طرف روس را نگرفته و با روس موافقه نکرده باشد.

اگر رهبران تنظیمها به شکل از موقف خود بگذرند آیا قومندان های داخل از ایشان سلب اعتماد نکنند آیا مردم

افغانستان از ایشان سلب اعتماد نخواهد نمود؟

در يك جمله فيصله ژنیو غیر عادلانه، غیر متمر است و در حالیکه هیچ مسأله راحل نمیکند معضله های بیشتر ایجاد مینماید. عدم قبول و رد آن از جانب مجاهدین و مبارزین ملی موقفیت که باید بهیچ صورت تغییر نکند، ما موید آن بوده و فتح نصرت شان را از خدا استدعا میکنیم. چون متون اسناد تحلیل و دقت کامل میخواید شرح نقایص آنرا به آینده میگذاریم.

ان شاء الله

در عین شماره آقای میر محمد صدیق فرهنگ زیر عنوان " افغانستان در گردش گاه تاریخ " در باره همین مطلب مینگارد:

تا نشر این سطور بگمان غالب اسناد مربوط به حل سیاسی مسأله افغانستان در ژنیو به امضاء رسیده و بیرون شدن نظامی شوروی از وطن ما آغاز شده است. يك عده از افغانان از جمله اینجانب در ابتداء مذاکرات ژنیو و نحوه کار آن مخالف بودیم و انتقادات ما بر آن در مطبوعات افغانستان آزاد و پاره از مطبوعات جهان غرب انتشار یافته است. اما اکنون که مذاکرات بانعقاد يك رشته تعهدات با تضمین بین المللی منجر شده در دوام اعتراض سودی متصور نیست و بهتر آن است که بجای آن اسناد امضاء شده به عنوان يك واقعیت سیاسی تلقی و سعی بعمل آید تا از مندرجات آن بنفع تأمین اهداف جهاد و داعیه ملی مردم افغانستان استفاده شود. اما قبول این امر ایجاب میکند تا یکبار دیگر اهداف یاد شده به ترتیب رجحان از نگاه اکثر هموطنان هدف اولی در جهاد اسلامی و وطنی مردم افغانستان بیرون شدن نیروی شوروی از کشور و اعاده استقلال و تمامیت ارضی آن ست هدف دوم تشکیل يك حکومت اسلامی و ملی مورد اعتماد مردم، هدف سوم بازگشت آبرومندان مهاجرین بوطن و چهارم اعمار دوباره اقتصاد پامال شده کشور.

البته میتوان بر این چهار نکته نکات دیگری افزود که عناصر و اقشار مختلف مردم به آن علاقه دارند اما با اطمینان میتوان گفت که پشتیبانی از آنان در پیمانۀ پشتیبانی از چهار نکته بالانویست و دور از واقعیت نخواهد بود که بررسی اوضاع و وظایفی که در برابر مردم ما قرار دارد بر چهار نکته بالا متمرکز گردد.

بیرون شدن نیروهای شوروی تا جائیکه از گزارش های مطبوعاتی و گفته های کوردویز نماینده ویژه دبیر کل ملل متحد در کار افغانستان معلوم میشود، احکام فیصله نامه ها در باره روشن وقاطع است و به بیرون شدن تمام نیروی های نظامی شوروی از تمام ساحه افغانستان حکم میکند.

البته مدت نه ماهی که جهت اجرای این کار تعیین شده نظر به ضرورت لوژستیکی اجرای آن زیاد است اما این موضوع ارزش آنرا ندارد که نه ماه دیگر مثلاً در مباحثه بالای آن ضایع شود. معذالك این نکته در خور تذکار و تکرار است که بیرون رفتن نیروهای مذکور باید عام و بلا شرط باشد. بر تمام ساحه زمینی و هوایی افغانستان احتواء کند و راه بازگشت را بکلی مسدود سازد.

حکومت آینده مسأله نظام دولتی و حکومت آینده افغانستان در دو مرحله مطرح میگردد، یکی در مرحله انتقال از تاریخ امضای اسناد و مربوط به حل سیاسی تاتصویب قانون اساسی آینده کشور و دیگری نظام حکومت کنونی کابل باید جایش را بیک حکومت انتقال با نهاد گسترده بسپارد که در آن نمایندگان مجاهدین در داخل کشور و پاکستان و ایران، نمایندگان مهاجرین در ممالک مختلف جهان و نمایندگان مردم داخل افغانستان سهم داشته باشند. افزون بر آن باید حکومت مذکور در ترکیب خود از تمام اقوام و مناطق و پیروان مذاهب موجود در افغانستان

نمابندگی کند تا بتواند امنیت کشور را در دوره انتقال حفاظت نموده از بروز جنگ داخلی که مصیبت بزرگ دیگری خواهد بود جلوگیری نماید.

اما نظام دولتی آینده باید از طریق قانون اساسی جدیدی تعیین شود که در پایان دوره انتقالی از جانب مجلس موسسان مرکب از عناصر بالا با رعایت تناسب نفوس آنان به تصویب برسد. تأمین دو هدف دیگر یعنی بازگشت مهاجران و بازسازی اقتصاد کشور به پیمانۀ زیاد به کامیابی دو هدف اولی مربوط است. باین معنی که اگر نیروهای شوروی بدون تعلل و فریب کاری افغانستان را ترك گفته از اقدامات منافی استقلال، وحدت و تمامیت ساحۀ آن خود داری کند و حکومت انتقال با شرکت عناصر و اقشار مختلف مردم بدون تبعیض و امتیاز و انحصار تشکیل شود، بخش بیشتر مهاجرین به میل و رغبت خود بوطن بازگشته و امداد بین المللی که الان امکان حصول آن موجود است میتوان در کاری جابجا شدن و تأمینات اولی شان کمک کند.

همچنان تشکیل يك حکومت انتقال از نوع بالا برای کارشناسان افغان که در ممالک مختلف آواره اند موقع میدهند تا بوطن بازگشته در اجرای وظیفۀ بازسازی آن شرکت کنند. پس در اینجا هم جان سخن همان بوجود آمدن يك حکومت اعتماد اکثریت است.

درین شك نیست که تشکیل چنین حکومت وظیفه و صلاحیت خود مردم افغانستان است اما از آنجا که فرصت اندک است و مفاهمه عناصر مختلف با یکدیگر در شرایط جنگ و آوارگی دشوار، بهتر است که موسسات بی طرف و بی غرض مانند ملل متحد و کنفرانس کشورهای اسلامی یا ترکیبی از هر دو قدم پیش گذاشته تسهیلات لازم را برای یکجا شدن افغانها و مفاهمه و مشوره آنان را با یکدیگر فراهم کند و از آن مهتر اینکه کشورهای نیدخل در درجۀ اول اتحاد شوروی احکام موافقتنامه را با حسن نیت تطبیق نموده از هر گونه اقدامی که به استقلال، تمامیت ساحه و حاکمیت ملی افغانستان زیان برساند خود داری کنند تا مردم افغانستان بتوانند از نتایج پیروزی عظیم شان در جنگ، آزادی در جهت التیام جراحات و ترمیم اقتصاد جنگ زده شان استفاده کنند بعون الله تعالی

ادامه دارد